

## تبیین ارکان سه‌گانه شناخت امام زمان و موقعیت‌های پنج‌گانه عرضه آن‌ها به جامعه

بیانات آقای اخوت باموضوع جهاد، پنجشنبه ۴ آبان ماه (قسمت دوازدهم)

یعنی با عنوان سبک زندگی رزمندگی داشتیم که شش مولفه برای آن عنوان کردیم.<sup>۱</sup> گفتیم جهاد در راه خدا یک سری شرایط دارد. اگر محور زندگی انسان جهاد باشد، کل زندگی‌اش تغییر ماهیت می‌دهد. مولفه اول، با محوریت «شناخت امام» بود که مهمترین مولفه نیز همین است. همه ما فکر می‌کنیم به نحوی امام را می‌شناسیم در حالی که به دلیل نشناختن امام، مجاهد نمی‌شویم. این مسئله جزو شرط‌های اولیه و لازم رزمندگی است. نمی‌دانم چطور می‌شود راجع به بحث امام صحبت کرد. داشتیم فکر می‌کردم که اگر به همه ما بگویند امام را می‌شناسید یا نه، می‌گوییم به هرحال یک مقداری می‌شناسیم، پس به اندازه همان یک خرده هم مجاهدیم. یعنی هرکس به میزان شناختش از امام، مجاهد است و به میزانی هم که نمی‌شناسد، مجاهد نیست.

وصف مومنان در سوره مؤمنون<sup>۲</sup> ارتباط دارد- و هرکسی نماز ظهرش را در جماعت بخواند برایش در جنات عدن ۵۰ درجه است که فاصله بین یک درجه تا درجه بعدی به قدری است که یک اسب تیزرو ۵۰ سال بدود و هرکس نماز عصرش را در جماعت بخواند برایش اجری است مثل اجر کسی که هشت فرزند از فرزندان اسماعیل علیه السلام داشته باشد و آنها را برای خادمی خانه خدا وقف کرده باشد -این درجه نشان می‌دهد که نماز عصر مثل قرار دادن فرزندان در خدمت بیت‌الله است- و هرکسی نماز مغربش را در جماعت بخواند، برایش مانند حج مبروره و عمره مقبوله است و هرکسی نماز عشايش را در جماعت بخواند، مثل قيام در ليلة القدر است.

پیامبر ﷺ در وصف نماز جماعت برای مردم خطبه خوانده‌اند. نماز جماعت پنج نوبت شد و هر کدام خاصیتی پیدا کرد. خاصیت نماز صبح «فردوسی»، نماز ظهر «عدنی»، نماز عصر «عتقی» (آزاد کردن)، نماز مغرب «حجی» و نماز عشاء «قیامی» است.

برای برنامه‌ریزی در شبانه‌روز، برنامه‌ها از مغرب شروع می‌شوند، پس اگر روایت را از مغرب بخوانیم اینطور می‌شود که اول انسان باید قصد کند (حج)، وقتی قصد کرد قیام می‌کند (عشاء)، بعد به درجات جنات فردوس، جنات عدن و عقی می‌رسد. در واقع مرتبه عقی بالاترین می‌شود، و مراتب فردوس و عدن نزدیک به هم هستند و گویی یکی می‌شوند. در مرتبه عدن ظهور بیشتر است اما در مرتبه فردوس بروز بیشتری وجود دارد که اینگونه بین صبح و ظهر ارتباط برقرار می‌شود. ماهیت صبح و ظهر، وضوح است.

در معناشناسی ساعات پنجگانه، نماز سمبل نظام امامت تعریف می‌شود، انگار یک نظام امامت کوچک است. قبلا هم که سه رکن اتصال به نظام امامت را معرفی کردیم و حالا با پنج حالت فوق باید بفهمیم مجاهدان در کدام مقام و موقعیت پنجگانه قرار دارد؟ آیا مغربی است؟ یا عشایی؟ یا صبحی؟ یا ظهری؟ و یا عصری؟ یعنی یک موقع فرد توحیدی را بیان می‌کند که توحید مغربی است، یا توحید عشائی و یا... یا فرد به نبوتی اشاره می‌کند که در مرتبه مغربی است، یا عشایی و یا... این

بخواهیم بر روی نظام امامت فکر کنیم، باید برگردیم و ببینیم که آیا پیامبری که می‌شناسیم، همان پیامبری است که امام علیه السلام معرفی می‌کند؟

سومین مسئله هم، بحث آخرت‌گرایی است. این سه رکنی است که امام علیه السلام باید در آن امامت کند. یعنی در واقع اگر کسی گفت امام من امام زمان علیه السلام است، باید در سه نقطه‌ی توحید، نبوت و معاد به امامت ایشان اشتراک داشته باشد و باید برای این سه، برنامه بریزد.

هر خطبه‌ای را که در نهج البلاغه می‌بینید در رابطه با توحید است و خدا را معرفی نموده، همچنین در رابطه با نظام نبوت است و انبیاء و بالاضحایم علیهم‌السلام را معرفی کرده است، و در رابطه با دنیا و آخرت است و آن‌ها را معرفی نموده است. پس شناخت امام را خیلی پیچیده نبینید و از طرفی خیلی هم ساده نبینید!

نکته بعدی اینکه، یکی از مسائلی که در حوزه امامت به نظر خیلی مهم می‌آید، بحث تخصص‌گرایی است؛ یعنی انسان برای امامش تخصصی داشته باشد. در این‌باره حدیثی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره اوقات نماز جماعت می‌خوانم که هرکسی آزاد است از آن هرچیز که خواست، برداشت کند و بنده هم برداشت‌های خود را می‌گویم:

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ لِعِثْمَانَ بْنِ مِطْعُونٍ مِّنْ صُلَى الْفَجْرِ فِي  
جَمَاعَةٍ ثُمَّ جَلَسَ يَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ  
كَانَ لَهُ فِي الْفَرْدَوْسِ سَبْعُونَ دَرَجَةً بَعْدَ مَا بَيْنَ دَرَجَتَيْنِ  
كَحُضْرِ الْفَرَسِ الْجَوَادِ الْمُضْمَرِّ سَبْعُونَ [سَبْعِينَ] سَنَةً وَ مِّنْ  
صُلَى الظُّهْرِ فِي جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ فِي جَنَاتِ عَدْنٍ خَمْسُونَ  
دَرَجَةً بَعْدَ مَا بَيْنَ دَرَجَتَيْنِ كَحُضْرِ الْفَرَسِ خَمْسِينَ سَنَةً وَ  
مِّنْ صُلَى الْعَصْرِ فِي جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ كَأَجْرِ ثَمَانِيَةِ مِّنْ وَلَدٍ  
إِسْمَاعِيلَ كُلِّ مِنْهُمْ رُبَّ بَيْتٍ يَغْتَتَهُمْ وَ مِّنْ صُلَى الْمَغْرَبِ  
فِي جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ كَحِجَّةٍ مَبْرُورَةٍ وَ غَمْرَةٍ مُتَقَبِّلَةٍ وَ مِّنْ صُلَى  
الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ فِي جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ كَقِيَامِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ .

حضرت رسول خدا ﷺ فرمودند: هرکسی نماز صبحش را به جماعت بخواند و سپس بنشیند تا خورشید طلوع کند، برایش در جنت فردوس ۷۰ درجه است که فاصله بین یک درجه تا درجه بعدی به قدری است که یک اسب تیزرو ۷۰ سال بدود -معلوم می‌شود این درجه از ایمان با

ممکن است بگوئید ما امام معصوم را ندیده‌ایم که بخواهیم بر اساس حکم او عمل کنیم. جوابش این است که انسان فکر می‌کند که امام معصوم را ندیده است، در صورتی که امام را بارها و بارها دیده است. می‌پرسید کجا دیده است؟ هر جایی که کار خوبی را دیده است. یعنی مثلاً اگر حُسن خلقی که از کسی دید، بو و عطر امام معصوم بوده است.

پیشنهادی به ذهنم رسید که به دوستان اعلام کنم و آن اینکه به مورد مولفه اول رزمندگی و مقدار شناختی که هرکسی از امام در ذهنش دارد، برای خودمان یادداشت کنیم، اینکه چقدر ایشان علیه السلام را می‌شناسیم؟ گجاها او را دیده‌ایم که می‌تواند به عنوان امام ما باشد و ما باید طبق نظر او عمل کنیم؟ حدیث است هرکسی امام زمان خودش را نشناسد «مات میتة جاهلیه»، یعنی اگر کسی حُسن خلق داشت اما بر اساس شناخت امام نبود، حُسن خلش شبیه فردی در زمان جاهلیت است، یا اینکه اساساً حُسن خلق نیست و یا فرد امامش را می‌شناسد و خودش خبر ندارد! اگر بر اساس حُسن خلق حقیقی باشد، حتماً ارتباطی با امام علیه السلام دارد. نمی‌توانیم بگوییم افراد غیرمسلمان با امام ارتباط ندارند، چون امام حاضر است و بین مردم رفت‌وآمد دارد. اینطور نیست که ایشان خودش را مخفی کرده باشد، بلکه حضور دارد اما کسی او را نمی‌شناسد.

حالا می‌خواهیم بدانیم که چقدر امام زمان‌مان را می‌شناسیم؟ از چه جهت‌هایی او را می‌شناسیم؟ تا جزو افراد در جاهلیت‌مانده نباشیم و جزو رزمنده‌ها باشیم. برای بررسی اینکه ببینیم چقدر امام را می‌شناسیم، اولاً باید مسئله توحید را در خود بررسی کنیم. هر انسانی باید در توحید با امام زمانش علیه السلام مشترک باشد. بنابراین خدا را موحدانه شناختن، انسان را با امام زمان علیه السلام متصل می‌کند. با احصای این مسائل در خود، امام علیه السلام ما می‌شوند. یعنی امام زمان علیه السلام، امام ما در توحید هستند. دومین مسئله‌ای که ما را به امام زمان علیه السلام متصل می‌کند، اصل نبوت است. ممکن است از بچگی بسیار شنیده باشیم که اصول دین؛ توحید، نبوت، امامت، عدل و معاد هستند اما هر چقدر جلوتر می‌رویم، می‌فهمیم که اگر

هرفنه نامهٔ فرهنگ، خبری  
مدرسهٔ دانستجویی فزان و عتبرت  
دانستگاه نهران

[kashef@quranetratschool.ir](mailto:kashef@quranetratschool.ir)

[www.QuranEtratSchool.ir](http://www.QuranEtratSchool.ir)

## ۴- سال هفتم



# کتاب دینی زات عالم / کرم شقیل دینا بیت / این سحر علم نکشش قهرم / بارگاه قدس خانی لانت / سزای ستیان بزرگوار می نم / جن که بر آدیان کنج می / کوی لای شرف اولاد آدم

به چه معناست؟ اگر به نهج البلاغه سر بزنید و خطبه‌های امیرالمؤمنین (ع) را که در زمینه توحید بیان فرموده‌اند، رصد کنید، این خطبه‌ها نسبت به هم رتبه‌بندی پیدا می‌کنند. آن‌هایی که در معرکه جهاد اتفاق افتاده است، مثل خطبه‌ای که در جنگ صفین فرموده‌اند، گویی در مرتبه ظهري است و آن جایی که بعد از فتح یا شکست صحبت کرده‌اند، مرتبه عصری می‌شود. همچنین آن جایی که در مطلع و شروع کاری صحبت کرده‌اند، مرتبه مغربی می‌شود. درباره رکن آخرت‌گرایی هم به همین ترتیب خطبه‌ها رتبه‌بندی پیدا می‌کنند. بررسی به این نحو، نوع عملیات را تعریف می‌کند.

بنده از حقیقت این حدیث یک تمثیل درست کرده‌ام و آن اینکه هرکس در پنج نوبت نمازش را در مسجد بخواند، این پنج ثواب و درجه فوق را پیدا می‌کند، اما این درجات را برای هر جماعتی نمی‌گویند بلکه منظور جماعتی است که امامش، امام معصوم باشد. یعنی هرکسی پشت سر امام زمان (ع) نمازش را بخواند به چنین درجاتی ناآل می‌شود. ممکن است بگویند خیر، هر جماعتی منظور بوده است، که اشکالی هم ندارد. چون هرکه در باب ثواب‌ها به هر روایتی که شنید -ولو اینکه سندش هم درست نبود- و به آن اعتنا کرد، خدا هم ان شاء الله به او ثواب را می‌دهد. یعنی هرکسی از این به بعد نمازهایش را به جماعت بخواند، مطابق هر کدام از موقعیت‌ها، از ثوابش بهره‌مند می‌شود. اما اگر یک مقدار رویکرد تحلیلی به روایت بدهیم، معلوم می‌شود که موقعیت مغرب است که حج را درست می‌کند و نماز جماعت مغرب به امامت امام حق است که ثواب حج را برای فرد ایجاد می‌کند. اگر نماز جماعت عشاء شد، لیلة القدر را برای فرد درست می‌کند و توجه به امام حق است که این درجات را می‌سازد.

وقتی می‌خواهیم امام را بشناسیم باید موضوعاتی که ایشان جلودار آن‌ها هستند و می‌خواهند که به عالم امکان برسانند، را هم بشناسیم. آن موضوعات سه رکن اصلی توحید، نبوت و معاد اصلی بودند. پس امام را بشناسیم و موضوعاتی که امام درصدد ابلاغ آن به جامعه هستند، را نیز بدانیم. حال باید نحوه عرضه آن موضوعات به جامعه را هم بفهمیم. امام ارکان سه‌گانه فوق را بر اساس اوقات نماز عرضه می‌کنند و اوقات نماز را بر اساس نوع جماعت‌ها و نوع افراد تشخیص می‌دهند. انسان باید در طبعش قدرت این تنوع را داشته باشد، تا اگر به او گفتند که توحید را طبق نظام امامت عرضه کن، بر اساس نماز عصر بتواند این کار را بکند.

ان شاء الله خدا توفیق بدهد و یک زمانی بحث ۱۲ امامی بودن را هم مطرح کنیم، اینکه هر کدام از ائمه (ع) چه خصوصیتی دارند؟ اما فعلا فرض می‌کنیم تنها یک امام معصوم داریم و او را روح کلی گذاشته‌ایم و

به او امام زمان (ع) می‌گوییم و در هر زمانی هم امام زمان خودش است. مهم این است که او را و سه رکن مدنظر او را بشناسیم. راهش این است که خطبه‌های نهج البلاغه یک دور با رویکرد تنوع موقعیت‌ها و ارکان توحید، نبوت و معاد خوانده شوند. جدولی درست کنید و خطبه‌ها را به تفکیک در آن قرار دهید. امامت را باید با امیرالمؤمنین (ع) شناخت. امیرالمؤمنین (ع) امیر مؤمنین اند و بقیه اهل بیت (ع)، امام هستند. البته حضرت زهرا (ع) هم در این مقام هستند. آن‌هایی هم که ادعیه حضرت زهرا (ع) در صحیفه فاطمیه را می‌خوانند، در واقع دارند تنوع را یاد می‌گیرند. البته از ادعیه نمی‌توان انقدر تفصیلی راجع به دنیا، آخرت و بعثت پیامبر فهمید اما با نهج البلاغه می‌توان این کار را کرد. پس یک دور نهج البلاغه را با رویکرد نسبت سنجی موقعیت‌های پنج‌گانه بخوانید و ببیند هر خطبه را در چه موقعیتی گفته‌اند؟ آیا موقعی بوده که می‌خواستند مردم را آماده کنند؟ یا در بحبوحه جنگ بوده؟ یا در وضعیت آماده‌سازی برای جنگ بوده؟ یا قبل از جنگ بوده؟ یا قبل از تشکیل حکومت بوده؟ و...

رزمنده باید به اجتهاد زمان سنجی برسد. امام او غایب است و نمازش را باید به جماعت امام غایب بخواند و نه امام حاضر. یعنی باید در هر موقعیت تشخیص بدهد که مصداق کدام نماز است؟ مجاهد باید زمان را بشناسد. امام هم با زمان شناخته می‌شود؛ امام زمان (ع) یعنی امام زمان‌ها. مغرب، مرحله آمادگی برای طراحی است. عشاء، مقطع برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و طراحی است، یعنی موقعیت اطلاعات عملیات برای طراحی است. در صبح، موقعیت اجرای عملیات است. در ظهر مواجهه شدید اتفاق می‌افتد و در عصر، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری است. عصر همان موقعی است که یک موفقیت یا یک ناکامی -علی‌الظاهر- اتفاق افتاده است.

این حرف ممکن است برای بعضی جایفتد و برای بعضی بگویند ذوقیات است. بعضی بحث‌ها ذوقیات است، و ممکن است هیچ استدلالی در پشت خود نداشته باشند اما یک سری قطعیات در این بحث وجود دارد:

۱. امام‌داری وظیفه هر انسانی است.
۲. نمازخوانی وظیفه هر انسانی است.
۳. نماز را در وقت خواندن و هشیار بودن نسبت به زمان، وظیفه هر انسانی است. نماز اگر بخواهد نماز باشد، در بستر زمان تکوین پیدا می‌کند. نماز همین‌طوری نداریم! در ظهر باید چهار رکعت نماز ظهر خواند، همین‌طور در عصر و... انسان باید به همان نسبت که امام زمانش را می‌شناسد، زمان را هم بشناسد. پس سعی کنیم مفاهیم را به شکل زمان‌دار یاد بگیریم و هیچ مطلبی را بدون زمان یاد نگیریم. هر حقی را که یاد می‌گیریم ببینیم مربوط به کدام زمان است؟ اینکه مطالب در چه زمانی

باشند، خیلی با همدیگر فرق می‌کنند! و انسان نیازمند همه زمان‌هاست. انسانی که صبح ندارد، به‌خاطر این است که مغرب و عشاء نداشته است؛ مثلاً می‌خواسته یک مطلب را کاربردی و همین‌طوری یاد بگیرد! اما مگر می‌شود مطلب کاربردی را بدون فهم پس‌زمینه بنیادی یاد گرفت؟ و از طرف دیگر، مگر می‌شود فقط بنیاد را یاد گرفت و کاربرد را یاد نگرفت؟ مگر می‌شود این زنجیره را منسجم یاد نگرفت؟ مگر می‌شود حکمتی را بنیادی یاد بگیرید اما نتوانید آن را به‌کار بگیرید؟ انسان باید بتواند معلوماتش را زمان‌دار کند تا امامش را زمان‌دار ببیند و تا نمازش را به جماعت ایشان، در هر وعده بخواند.

بهترین زمان برای ورود به این چرخه، مغرب است. موقعیت مغرب خیلی مهم است و هم خیلی کوتاه است. کوتاه‌ترین زمان در افق ما، مغرب است و بعد از آن، صبح هم کوتاه است. ظهر و عصر نسبتاً بلندند و عشاء هم بلند است، طوری که خسته‌کننده می‌شود! الله اکبر از عشاء! که پر از رمز و راز است! احکام آن هم رمز دارد، مثلاً بعضی فقها می‌گویند وقت نماز عشاء تا ۱۲ نیمه‌شب است و بعضی می‌گویند تا صبح، وقت دارد.

ان شاء الله خدا قسمت کند و خودتان را در مدینه النبی ببینید -حال در خواب یا بیداری یا مکاشفه و به هر نحوی- و احساس کنید که در آنجا زندگی می‌کنید و صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء خدمت رسول الله (ص) می‌رسید. رسول الله صبح با رسول الله عشاء فرق می‌کند و این تفاوت را هم می‌فهمید! کما اینکه افرادی که صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء پشت سر ایشان نماز می‌خوانند هم فرق می‌کنند و کما اینکه حال خود افراد هم در این موقعیت‌ها فرق می‌کند، اما الان رسول الله (ص) برای ما در همه حال یکی است و هیچ فرقی ندارند.

چرا ما نباید بین چهره زیبای رسول اکرم (ص) در صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء تمایز قائل باشیم؟ از نوع تفکر ایشان راجع به توحید، معاد، وحی و جریان نبوت در هر موقعیت زمانی باید این تمایز را متوجه شویم. این موارد در ادعیه تعقیبات نماز منعکس شده است. کسانی که با دعا عجبین هستند، این نکات را می‌فهمند.

حدیثی درباره نماز جماعت پشت سر رسول الله (ص) اینگونه آمده است که: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَ الْفَجْرَ فَأَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَى أَصْحَابِهِ فَسَأَلَ عَنْ أَنَسٍ يَسْمِيهِمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَقَالَ هَلْ حَضَرُوا الصَّلَاةَ فَقَالُوا لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ أَعِيبٌ هُمْ فَقَالُوا لَا فَقَالَ أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ صَلَاةٍ أَشَدَّ عَلَى الْمُنَافِقِينَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ وَالْعِشَاءِ وَلَوْ عَلِمُوا أَيَّ فَضْلٍ فِيهِمَا لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا.

یک روز که حضرت رسول (ص) نماز صبح را خواندند به سمت اصحاب رو کردند و از حضور افراد سوال کردند -به نوعی حضور و غایب کردند!- و گفتند چه کسی







# کاشت دینی در دلت عالم / گزینش قیل و دینا بیت / این سیر علم نه کنش حرم / بارگاه قدس علی المانت / سزای ستایان بزرگوئی / جن که بر آرمیان کنجی / کاین امری شرف اولاد آدم

۲۲۵

شنبه  
۱۳ آبان ۱۳۹۶  
سال هفتم  
شماره  
۱۵ صفر ۱۴۳۹

کاشت  
هفته نامه فرهنگی، خبری  
مدرسه دانشجویی قرآن و عترت  
دانشگاه تهران

## عصاره

### آزمون و شاخص جاماندگی از کاروان اربعین

گزیده بیانات آقای اخوت، چهارشنبه ۱۰ آبان ماه، جلسه خانوادگی

ابتلاي «جاماندگی» موضوع مهمی است. انسان باید مواظب باشد از حرکت های خیر در عالم جا نماند اما مهمترین جاماندگی این است که انسان از مراحل رشدش جا بماند. ما جاماندگی های زیادی داریم و اغلب انحرافات هم به خاطر همین جاماندگی ها اتفاق می افتند. تفکر و تأمل بر موضوع جاماندن، کار خیلی خوبی است، چه برای آن ها که به پیاده روی اربعین تشریف می برند و چه برای کسانی که نمی روند. در هر منسکی که خداوند توفیق می دهد تا عده ای بروند، عده ای هم نمی توانند بروند و قلب هایشان گداخته است، می توان موضوعاتی مشترک مطرح کرد تا از طریق اشتراک در تأمل بر این موضوعات در هر دو گروه، کسی جا نماند.

موضوع مشترکی را می خواهم برای اربعین امسال پیشنهاد بدهم، خیلی ساده و ابتدایی اما مهم است:

چه می شود که انسان به سمت خوبی تغییر می کند و چه می شود که انسانی بعد از سال های سال تغییر نمی کند؟ چطور می شود که فردی بعد از ۲۰-۳۰ سال می بیند هنوز نتوانسته صفتی را تغییر دهد؟ چه کار کنیم که ادبیات تغییر یا فرهنگ تغییر در زندگی ما ورود پیدا کند و هر کسی از دیروزش بهتر شود؟ بهتر در گوش دادن، نگاه کردن، راه رفتن و... چه کار کنیم که دیدمان را تغییر دهیم و بهتر کنیم؟ چه کار کنیم که راه رفتنمان را تغییر دهیم و بهتر کنیم؟ چرا تغییر نمیکنیم و چه کار کنیم که تغییر کنیم؟ چگونه تغییر به سمت خوبی، موضوع گفتمان هایمان شود؟ آن هایی که می روند و اتصالشان برقرار می شود و کسانی که نمی روند و اتصالشان برقرار می شود با هم تبادل نظر کنند و اطلاعاتشان را بهم بدهد تا فرهنگ تغییر در ما شکل بگیرد. فرهنگ تغییر در ما خیلی کم است. به ندرت می شود یک صفت را بتوانیم تغییر دهیم، تا جایی که انسان شک می کند نکند اختیاری در کار نباشد! به فردی گفته می شود فلان کار را نکن! خوب نیست! می گوید: می دانم خوب نیست ولی نمی توانم نکنم! نمی توانم تغییر کنم! از پس خودم بر نمی آیم! در این باره فکر کنیم که چه کار کنیم تا خودمان را تغییر دهیم؟ این امر، یک سری قوانین دارد که اگر سرش کشف شود همه می توانند تغییر کنند. ان شاء الله اربعین امسال، اربعین تغییر سبک زندگی ها، تغییر فکرها، تغییر شیوه هایی که اتخاذ کرده ایم و از آنها بدمان می آید اما خودمان را ناچار می بینیم، باشد. اهمیت این موضوع در سوره مبارکه رعد چنین بیان شده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾. گویی خداوند آب پاکی روی دست انسان ها ریخته باشد!

پس در این یک هفته سؤال مشترک همه مان این موضوع باشد. اگر کسی دستش به معصوم (علیه السلام) رسید و جواب را گرفت می تواند به بقیه هم تقلب برساند و چنین فردی چه کربلا برود یا بماند، رسیده است! کسی که به حقیقت رسیده، رسیده است و کسی که به حقیقت نرسد، نرسیده است، اگر چه کنار امام معصوم (علیه السلام) باشد. در حقیقت این سوال یک آزمون برای جاماندگی است تا ببینیم چه کسی جامانده است؟! آن هایی که کربلا تشریف نمی برند احتمالاً بیشتر از بقیه می توانند جواب بدهند، چون این جزو قوانین هستی است.

۱. سوره مبارکه رعد، آیه ۱۱

## Nothing but Beauty

شعر و شعار توحیدی جهت  
هم سُرایی پیاده روندگان حسینی

We are coming	ما داریم می آییم
To say Labbaik	تا لبیک بگویم
With every beat of heart	با هر تپش قلب
With every step we take	با هر قدمی که برمی داریم
We are here	ما اینجا هستیم
To be with you	تا با تو باشیم
Years have passed	سال ها گذشته است
But the pain is new	ولی درد تازه است
You fought for faith	تو برای ایمان جنگیدی
Truth and justice	حقیقت و عدالت
All those lessons	همه آن درس ها را
We've put into practice	ما اجرا می کنیم
We are here	ما اینجا هستیم
To shout out loud	تا بلند فریاد بزنیم
To call for unity	تا وحدت را درخواست کنیم
Among the crowd	از میان جمع
We want the world	ما می خواهیم که دنیا
To hear our speeches	حرف های ما را بشنود
Of mercy and truth	حرف هایی از رحمت و حقیقت
And what Islam teaches	و هر آنچه اسلام آموزش می دهد
This is the status	این است جایگاه
Of a refuge seeker	یک پناه آورنده
We are a step ahead	ما یک قدم جلوتریم
Once we know we're weaker	وقتی که می دانیم ما ضعیف تریم
Weaker than the power	ضعیف تر از قدرت
Of our God, our Lord	خدایمان، پروردگارمان
We have a lot to say	ما خیلی حرف ها برای گفتن داریم
To the people of the world	به مردم دنیا
Awaken your hearts	قلب هایتان را بیدار کنید
And follow this path	و این راه را دنبال کنید
It will save your souls	این راه، روح هایتان را نجات می دهد
And light it with faith	و آن را با نور ایمان روشن می کند
Tired bodies, aching feet	بدن های خسته، پاهای دردناک
O dear!	ای عزیز
Nothing but beauty	هیچ چیز به جز زیبایی
Is seen over here!	در اینجا دیده می شود

|| علمدار گمنام ||

|| مبین سادات مدنی ||

کاشت

صاحب امتیاز | احمد رضا اخوت  
زیر نظر | هیأت سردبیر  
مدیر مسئول | فاطمه سادات شریعتمدار  
هیأت تحریریه | دانشجویان مدرسه قرآن و عترت (کاشفون)

کانال اطلاع رسانی  
مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت  
@QuranEtratSchool

